

ویژه نامه

استرداد استقلال افغانستان از دست استعمار انگلیس

به ابتکار

کمیته برگزاری ۲۸ اسد

پنجشنبه ۲۸ اسد ۱۳۸۹ - نود و یکمین سالروز استرداد استقلال افغانستان

Thursday: 19 August 2010 --- 91st Years of the Restitution of the Afghanistan Independence

ص	آنچه درین شماره میخوانید:
۲	۱- گزارش برگزاری محفل در شهر هرات
۳	۲- افتتاحیه
۴	۳- مقاله خانم رفعت بمناسبت ۲۸ اسد
۶	۴- متن سخنرانی خانم بهرامی
۹	۵- دکلمه ای تحت نام خون بهاء
۱۰	۶- متن سخنرانی نوراحمد جان
۱۳	۷- دو سرود اجراء شده توسط گروه ترانه
۱۵	۸- متن مقاله خوانده شده توسط دانشجو
۱۶	۹- متن سخنرانی خانم احمدی
۱۷	۱۰- متن سخنرانی خانم لطیف زاده
۱۹	۱۱- دکلمه ای تحت نام "دختر افغان"
۲۲	۱۲- سروده اجراء شده توسط گروه ترانه
۲۴	۱۳- قطعنامه محفل تجلییه ۲۸ اسد
۲۶	۱۴- اختتامیه محفل

مراسم تجلییه نود و

یکمین سالروز استرداد

استقلال افغانستان از

دست استعمار انگلیس در

شهر هرات - افغانستان

"کمیته برگزاری ۲۸ اسد"

۲۸ اسد ۱۳۸۹

گزارش از تجلیل مراسم ۲۸ اسد در شهر هرات توسط " کمیته برگزاری ۲۸ اسد "



امسال بیست و هشتم اسد - نود یکمین سالگرد استرداد استقلال افغانستان، توسط یک تعداد از دختران و پسران جوان تحت نام " کمیته برگزاری ۲۸ اسد " در شهر هرات تجلیل گردید. بیشتر از دو صد نفر در این محفل تجلیلیه شرکت کرده بودند. محفل از ساعت ده قبل از ظهر امروز آغاز و تا ساعت دوازده ظهر ادامه یافت.

دانستند. آنها با ارائه دلایلی عملکرد ۹ ساله رژیم فعلی را مردود شمردند و هر نوع انتخابات مرتبط به این رژیم را نا کارآمد خوانده و آن را تحریم کردند نکات اصلی خواست های این محفل، عبارت بودند از:

در این محفل تعدادی از دختران و پسران جوان به خواندن مقاله ها و اشعار پرداختند و سه پارچه ترانه میهنی نیز توسط یک گروه هنری سروده شد.

استقلال حقیقی کشور فقط با اخراج بدون قید و شرط نیروهای خارجی از کشور ممکن می گردد، رژیم فعلی تحت حمایت نیروهای خارجی اشغالگر به وجود آمده و هیچگونه مشروعیت ندارد، پارلمان رژیم نیز یک پارلمان پوشالی است و انتخابات کنونی تلاشی برای مشروعیت بخشیدن به این رژیم است، طرح تجزیه افغانستان کار دشمنان کشور و یک طرح امپریالیستی و ارتجاعی است، تساوی کامل حقوق میان زنان و مردان و لغو ازدواج اجباری، برقراری تساوی میان ملیت های مختلف کشور و لغو هرگونه امتیاز و برتری ملی، آزادی عقیده و بیان و خلاصی از بنیادگرایی.

دختران و پسران جوان شرکت کننده در محفل که دارای روحیه و احساسات استقلال طلبانه و ملی بودند، در مقالات شان پرده از روی جنایت های نیروهای اشغالگر خارجی برداشتند و بیان نمودند که نیروهایی که تحت نام "مبارزه علیه تروریسم" و "آزادی زنان" کشور ما را مورد تهاجم و لشکرکشی قرار داده اند، در حقیقت کشور را اشغال نموده و آزادی مردمان آنرا سلب کرده اند.

شرکت کنندگان محفل نه تنها روحیه ضد اشغالگری و ضد استعماری داشتند، بلکه سیاست و عملکرد ارتجاعی طالبان را به ضرر روحیه مقاومت و توجیهی برای دوام اشغال کشور



پنجشنبه: ۲۸ اسد ۱۳۸۹

افتتاحیه

خانم مریم لطیف زاده

قسم به عزت و قدر و مقام آزادی (۲)

که روح بخش جهان است نام آزادی

به پیش اهل جهان محترم بود آنکس

که داشت از دل و جان احترام آزادی

هزار بار بود به ز صبح استبداد

برای دسته پا بسته شام آزادی

xxxxxxxx

حضار نهایت گرامی ، مهمانان عزیز، تشریف آوری شما را در محفل امروزی خیرمقدم گفته و ازینکه دعوت ما را پذیرفتید و در محفل ما اشتراک نمودید از طرف خودم و نیز به نمایندگی از " کمیته برگزاری ۲۸ اسد " از تمامی شما تشکر میکنم.

هدف از برگزاری محفل امروزی ما اینست تا یاد جانباختگان راه آزادی و استقلال را گرامی بداریم و از دلیری ها ، حماسه ها ، جانفشانی های آنان یادبودی به عمل آوریم.

محفل امروزی ما شامل سخنرانی ها، مقالات و دکلمه های است که توسط جمعی از دوستان ما اجراء خواهند شد و در میان برنامه ها ، بخش هنری ما به اجرای سروده های میهنی خواهند پرداخت و در آخر محفل قطعنامه ای به خوانش گرفته میشود.

امیدواریم داشته های محفل امروزی ما طرف توجه شما عزیزان قرار گیرد. همچنان از تمامی عزیزان شرکت کننده در تالار تقاضا مینماییم، از ثبت صوت و فیلم برداری توسط موبایل و یا کامره های شخصی جدا خود داری نمایند.

با سپاس فراوان

" کمیته برگزاری محفل تجلیلیه بیست و هشتم اسد "



خانم - انا نسر

درد پدیده ایست، گذرا

اما ننگ، داغیست که بجا می ماند

درد شکنجه، دردیست قابل تحمل

که اگر به آن نیاندیشی، حتی احساسش نخواهی کرد

درد خیانت، ننگیست جاویدانه

پس، ما شکنجه دشمن را به جان خریداریم

چرا که فولاد اراده آب دیده تر

و ایمان هدف را راسخ تر می کند

و این شکنجه، هر چه بیشتر، بهتر

من هم به نوبه خود تشریف آوری مهمانان عزیز را در محفل امروزی مان خوش آمدید گفته و بیست و هشت اسد روز استرداد استقلال کشور را به همه ی آزادیخواهان و مردمان زحمتکش کشور تبریک می گویم. دوستان عزیز درین قسمت از محفل توجه شما را به مقاله ای که توسط خواهر کوچک ما "رفعت" تهیه گردیده جلب میکنم. تا آمدن شان تشویق بفرماید.

بیست و هشتم اسد

سالروز استرداد استقلال افغانستان از استعمار انگلیس را گرامی میداریم

"رفعت"

بار موفق شدند این نیروها را از کشور بیرون برانند. اما بر اثر سازشکاری های امیران مزدور و نیروهای میهن فروش و خائن این تلاشها به نتایج سیاسی ملموسی منجر نمی شد و امیران خود فروخته مجددا بر سر نوشت کشور حاکم می شدند. سرانجام بعد از کشته شدن امیر حبیب الله خان، امیر امان الله به قدرت سیاسی دست یافت و با تکیه بر زمینه های مساعد عینی و ذهنی، استقلال سیاسی کشور را اعلام نمود. استعمار انگلیس که هیچگاه حاضر نبود استقلال افغانستان را به رسمیت بشناسد در ۵ می ۱۹۱۹ قشون بزرگی را بسیج نموده و از زمین و هوا بالای مردمان این کشور حمله نمود. این تهاجم استعمارگرانه با ضد حمله جانانه نیروهای دولتی افغانستان و مبارزین مردمی روبرو گشت. بالاخره تلاش انگلیس ها به شکست مفتضحانه ای انجامید و آنها مجبور شدند استقلال سیاسی افغانستان را در ۲۸ اسد ۱۲۹۸ به رسمیت بشناسند. ما به قهرمانان راه آزادی چون ملالی ها، عبدالله اچکزی ها، ملا مشک عالم ها، میر مسجدی ها و دیگر قهرمانان جانباخته این راه درود میفرستیم و این روز را

امروز بیست و هشتم اسد مصادف است با نود و یکمین سالروز استرداد استقلال افغانستان از استعمار انگلیس!

در بیست و هشتم اسد ۱۲۹۸ هجری شمسی استعمار کهنه کار انگلیس، پس از پیروزی نسبی جنگ استقلال افغانستان، مجبور شد استقلال سیاسی افغانستان را به رسمیت بشناسد. ما این روز را بخاطر قهرمانی ها، رشادت ها، فداکاری ها و جان نثاری های جانبازان بخون خفته راه استقلال و آزادی این مرز و بوم تجلیل می کنیم و درینجا جمع شده ایم تا یاد این عزیزان را گرامی بداریم!

تاریخ این مرز و بوم یادآور این رشادتهاست! آنچه را که تاریخ به اثبات رسانده این است که از ۷ اگست ۱۸۳۹ که انگلیس وارد خاک افغانستان گردید تا ۲۰ اگست ۱۹۱۹ که انگلیس رسماً استقلال افغانستان را به رسمیت شناخت، مبارزات متعددی بخاطر کسب استقلال و آزادی به راه انداخته شد. در طول تقریباً ۹ دهه سلطه استعمار انگلیس بر افغانستان، مردمان این خطه آرام ننشستند و جنگ ها و قیام های خونینی را علیه قوای متجاوز و اشغالگر انگلیس به راه انداختند و هر

و غارت دوران حاکمیت سرتاسری این جریانات با ظهور " طالبان" و برقراری سلطه قرون وسطی شان بر کشور نه تنها پایان نیافت بلکه ابعاد گسترده تر و عمیق تری پیدا نمود. احزاب جهادی و طالبی نهایتاً زمینه ساز تجاوز دیگری به کشور گردیدند و اینک متجاوزین امریکایی و شرکای بین المللی شان به این سرزمین هجوم نموده اند.

اگرچه ایالات متحده امریکا و شرکای خورد و ریزش جنگ تجاوزکارانه شان را به بهانه " مبارزه علیه تروریسم" و " آزادی زنان" به پیش بردند اما این شعار یک شعار کاذبانه و فریب دهنده ای بیش نیست. همین جریاناتی که امروزه بنام " تروریسم" مورد خطاب قرار گرفته اند، دیروز مورد حمایت امریکا قرار داشته اند! همین جریاناتی که امروزه در لست سیاه امریکا درج شده اند، دیروز با پشتیبانی سیاسی - نظامی ایالات متحده امریکا قرار داشتند! هدف این تجاوز و اشغالگری در چه می باشد؟ با یک دید باز اگر به اوضاع جهانی نظر اندازیم بخوبی دیده میشود که هدف اصلی امریکا و متحدین اش مردم افغانستان، کشورهای آسیای میانه، آسیای جنوبی، شرق میانه و منابع عظیم زیر زمینی این مناطق است که در راس همه آنها منابع نفت و گاز آسیای میانه و منطقه خلیج قرار دارد!

بناء ما با تجلیل از فداکاری های میهن پرستان کشور که جانانه در مقابل متجاوزین قربانی دادند، یاد و خاطره این عزیزان را گرامی میداریم و در پایان میخواهم بگویم که:

ما بنای بردگی از بیخ ویران میکنیم
کاخ استثمار را با خاک یکسان میکنیم
ما بنام خلق میهن، ما بنام این وطن
ما بنام قهرمانان، عهد و پیمان میکنیم
با تشکر

بخاطر قهرمانی های شان گرامی میداریم.

گرچه در ۲۸ اسد ۱۲۹۸ استقلال سیاسی افغانستان به دست آمد اما از آنجائیکه سلطه اقتصادی و سیاسی غیر مستقیم کشورهای بریتانیا، روسیه و امریکا بر سرنوشت مردمان این خطه ادامه یافت، این استقلال ناقص و نیمه کاره بود و کشور را صرفاً توانست از حالت مستعمراتی به نیمه مستعمراتی بدل نماید. امپراطوری انگلیس در آن ایام همین استقلال نسبی افغانستان را نیز تحمل کرده نتوانست، توطئه ها از هر طرف شکل گرفت و بالاخره نادرخان بر سرنوشت کشور و مردمان کشور مسلط گردید. ادامه وابستگی های بیش از حد خاندان نادری زمینه ساز تجاوز و لشکر کشی روسها به افغانستان گردید!

با حمله روسها به افغانستان، این کشور و مردمان ازادخواه آن دوباره تحت سلطه بیگانگان قرار گرفتند و به انقیاد کامل کشیده شدند و کشور به مستعمره تمام اعیار روسها بدل گردید، اما مردمان ازادخواه افغانستان در مقابل این تجاوزگری و میهن فروشی غلامان شان عکس العمل نشان داده و دست به مقاومت زدند. مقاومت جانانه مردمان تمامی ملیت های کشور در طول دوران اشغال کشور توسط روسها، ادامه یافت. حاکمیت اشغالگرانه و خائنه آنها باعث شد تا هزاران فجایع اسفبار برین خطه تحمیل شده و میلیون ها انسان از هستی ساقط گردند، ویرانی های گسترده ای نیز برین کشور تحمیل شد.

مقاومت مردم در مقابل روسها، بالاخره منجر به اخراج قهری قوای اشغالگر از کشور گردید اما مسائل اساسی انقلاب افغانستان لاینحل باقی ماند. جنگهای خانمانسوز داخلی در میان جریانات اسلامی نیز مردمان این کشور را آواره و بی خانمان نمود و فقر و بدبختی را تداوم بخشید. ویرانگری، قتل

آقای - اذانسر

"همین جریاناتی که امروز به نام " تروریسم" مورد خطاب قرار گرفته، دیروز مورد حمایت امریکا قرار داشته اند."

با تشکر از خانم رفعت!

ما بنای برده گی از بیخ ویران میکنیم
ما به نام خلق میهن، ما به نام این وطن
کاخ استثمار را به خاک یکسان می کنیم
ما به نام قهرمانان، عهد و پیمان می کنیم
در این قسمت از خانم بهرامی خواشمنندیم که مقاله ی را که تهیه دیده به سمع شما برساند. تا آمدن
شان تشویق بفرمایید.

متن سخنرانی (خانم بهرامی)

وقت سخن مترس و بگو آنچه گفتنی است

شمشیر روز معرکه زشت است در نیام

آورده اند با مقاومت سرسختانه مردم غیور افغانستان مواجه شده اند و این بار نیز اشغالگران به چنین برخوردی مواجه خواهند بود. باید آنرا سمت و سوی اصولی داد، زیرا ازین طریق است که میتوان به آزادی کاملی دست یافت.

ما در کشوری زندگی میکنیم که وضعیت داخلی آن تابع وضعیت و روندهایی است که در سطح بین المللی به چشم میخورد، بطور نمونه موضوعاتی از قبیل تجاوز و اشغالگری نیروهای امریکایی، تلاش نیروهای امریکایی بخاطر تحکیم هرچه بیشتر سلطه شان در جهان، جنگ افروزی های بی حد و حصر این نیروها، تشکیل دولت های دست نشانده و خادم شان در کشورهای نظیر افغانستان و عراق و هزاران فجایع اسفبار دیگری که مستقیماً روی مبارزات طبقاتی کشورمان تاثیر نموده و به همین طریق روی صف بندی های سیاسی داخل کشور نیز اثر گذاشته است.

درست است که با وجود گرفتن استقلال افغانستان از دست انگلیس ها باز هم نتوانستیم استقلال واقعی کشور را بدست آوریم و مشکلات مردم ما کماکان حل نشده باقی ماند، درست است که بعد از جنگ مقاومت علیه روسها، توانستیم آنها را از کشور برانیم ولی باز هم نتوانستیم استقلال نسبی کشور را به دست آوریم، درست است که بعد از تحمل تمام رنج و مشقت ها نتوانستیم کشور مان را به دستان پرتوان خود احیاء کنیم و دوباره کشور تحت اشغال نیروهای دیگری که در راس آن ایالات متحده امریکا

مهمانان عزیز و حضار نهایت گرامی تشریف آوری شما را در محفل برگزاری ۲۸ اسد سالروز استرداد استقلال افغانستان خیر مقدم میگویم.

با تشکر از "کمیته برگزاری ۲۸ اسد" که برایم فرصتی دادند تا پیرامون محفل امروزی صحبتی داشته باشم. بناء اجازه میخواهم تا در مورد برگزاری محفل امروزی چند کلامی با شما عزیزان صحبت نمایم.

همانطوری که مستحضر هستید محفل امروزی ما، صرفاً یک گرامیداشت خشک و خالی نیست. ما سالروز استرداد استقلال افغانستان را تجلیل میکنیم و برای این تجلیل دلایل متعددی داریم، یکی ازین دلایل یادآوری رشادتها، مبارزات خستگی ناپذیر نیاکان ما و ایثار و خودگذری های آنها میباشد، دلیل دوم این است که ما میخواهیم روزهای تاریخی کشور خود را کماکان در اذهان خود زنده و ماندگار نگه داریم، از آنها بیاموزیم و در عمل پیاده کنیم، دلیل سوم را میتوان چنین ذکر کرد که در شرایط فعلی که افغانستان به یک مستعمره تمام اعیار بدل گردیده و ایالات متحده امریکا و دیگر شرکای بین المللی خورد و ریزش به این کشور هجوم و لشکر کشی نموده اند، مردم، بخصوص نسل جوان کشور را به توهم و تشتت ایدئولوژی واداشته است، ما میخواهیم با تجلیل مراسمی روحیه فداکاری و ایثار گذشتگان را با نفی جنبه های منفی و ارتقاء جنبه های مثبت آن دوباره احیاء نموده و هرچه اصولی تر آنرا به پیش برده، تا غرور متجاوزین را خدشه دار نماییم. بیگانگانی که در طول تاریخ سیطره کشور به این سرزمین هجوم

گرفته اند. شیوه و نحوه عملکرد طالبان، حقانی، حکمتیار و دیگران باعث تقویت حضور نیروهای امریکایی در کشور گردیده است. چرا؟ چون عکس العمل هایی از قبیل سوختاندن مکاتب، ستم بر زن و هزاران نمونه دیگری که آنها مرتکب میشوند دلیلی برای توجیه فکری نیروهای امریکایی در خاک کشور میدهد و حضور آنها را درین کشور تقویت میکند. بناء وظیفه ما چیست؟ این است که ما با این نحوه، شیوه و عملکرد طالبانی نیز باید اعتراض کنیم. زیرا اگر به تاریخ کشور رجوع شود دیده خواهد شد که مقاومت و مبارزات مردم در طول تاریخ باعث تضعیف نیروهای اشغالگر گردیده است اما امروز برعکس، عملکرد طالبان، حقانی، حکمتیار و دیگران نه تنها باعث تضعیف نیروهای امریکایی نگردیده است بلکه حالت اشغال را سفت و سخت نموده است. اینجاست که ضرورت درک مبارزه بوجود می آید. یک انسان مبارز کسی است که به واسطه درک خویش درد دیگران را احساس نموده و آنرا درد خود بداند و رنج دیگران را رنج خود بداند. اما عادی شدن رنج و محنت و بدبختی دیگران گام اصلی در تبدیل شدن به انسانی غیر مبارز است. انسان مبارز کسی است که هرگاه شرایط برای مبارزه علنی وجود نداشته، دست از مبارزه نمی کشد و می کوشد تا دیگران را به قبول مسئولیت هایشان وادار سازد. انسان مبارز کسی است که تا رسیدن به سر منزل مقصود و به دست آوردن استقلال حقیقی کشور لحظه ای دریغ نورزیده و درنگ هم نمیکند.

بعضی ها میگویند که امریکایی ها بخاطر مبارزه با " تروریسم"، "آزادای زنان" و "تامین دموکراسی" آمده اند. باید آنها را یاری کنیم نه اینکه علیه شان مبارزه نماییم. به عبارت دیگر نیازی به مبارزه علیه امریکایی ها نیست. اما فجایع اسفباری که توسط اشغالگران

حضور دارد قبضه گردیده، ولی اینها همه در ذات خود بدین معنی نیست که ما جانفشانی ها، ایثار، فداکاری های گذشتگان مان را نادیده بگیریم. ما رشادتها، دلیری ها و جانفشانی های گذشتگان خود را نه تنها تقدیر میکنیم بلکه به آن ارج قائل هستیم و اشتباهات شان را نشانی نموده و در جهت رفع آن گام های جدی برداریم و مبارزات خود را از دید منافع اکثریت مردم کشور که زحمتکشان جامعه را تشکیل میدهد به پیش هدایت نماییم. ما باید از دید منافع اکثریت زحمتکشان جامعه حرف زنیم و باید برحسب منافع همین قشر عظیم که روز به روز به قهقراء سوق داده میشود مواضع اتخاذ کنیم، در غیر آن اگر بازهم به پیروزی برسیم، پیروزی نسبی و استقلال نسبی بیش نخواهد بود.

مهمان عزیز!

ناگفته نماند که وقتی حرف از مبارزه به میان می آید ما باید نحوه مبارزه را در نظر داشته باشیم، اگر مبارزه ای که همین اکنون طالبان، حقانی، حکمتیار و القاعده و سایر احزاب روی دست گرفته اند را در نظر بگیرید، این مبارزه هم جایی برای خود ندارد، چرا؟ چون دیدگاه طالبانی، حقانی و حکمتیار دیدگاهی نیست که مشکلات مردم را حل کند، بلکه بیشتر مردم را به تشنیت فکری و امیدارد تا در مقابل فقر، رنج، درد صبور باشند اما مردم ما بیشتر از هر چیز به حل معضلات شان محتاج اند، حل معضلات مردمان ما تا زمانی که استقلال واقعی کشور گرفته نشود، آزادی کشور تامین نشود و دیدگاه مبارزاتی، اصولی پیاده نشود، باز هم حل نشده باقی خواهد ماند. دنیا خیلی پیش رفته ولی ما کماکان با وسایل کهنه مسلح هستیم. اما باید در نظر داشته باشیم که در دنیای مدرن، وسایل فکری مدرن تر و صیقل زده تر لازم است نه شیوه ای که طالبان روی دست

میشود ، سکوت و انفعال را پیشه کنیم! انفعالی که خلق افغانستان را ناخواسته از ارزش انسانی ، هنجارهای اخلاقی و باورهای معنوی شان دور کرده و آنها را به مردمی پراکنده ، متعصب ، دگم و بی هویت بدل نماید .

پس باید درین زمینه بسیار محتاط باشیم و با کار فکری و تلاش اخلاقی در خودمان این نکته را دقیقاً درک نماییم که رنج انسانهای آزادیخواه " عادی " نیست ، بی حرمتی به انسان آزادیخواه " عادی " نیست ، مرگ پیش رس انسانهای آزادیخواه " عادی " نیست ، محروم ساختن انسانها از آزادی عقاید " عادی " نیست و فقر مادی و معنوی انسانها نیز نمیتواند " عادی " باشد . آنچه را که میتواند عادی باشد این است که همه انسانها به صرف انسان بودن خویش حق برابر و امکانات عادلانه مادی و معنوی خویش را داشته و دارند .

تنها با باور آگاهانه ، شجاعانه و عمل گرا به آرمانی اصیل ازین دست است که میتوان در جهان امروز یک مبارز واقعی به شمار رفت ، اگرچه هرچند در اقلیت هم باشیم . " ما بشکل گروه فشرده کوچکی در راهی پر از پرتگاه و دشوار ، دست یکدیگر را محکم گرفته و به پیش میرویم . دشمنان از هر طرف ما را در محاصره گرفته و تقریباً همیشه باید از زیر آتش آنها بگذریم ، اتحاد ما بنابر تصمیم آزادانه ماست . تصمیمی که همانا برای آن گرفته ایم که با دشمنان پیکار نماییم و در منجلا ب مجاورمان نغلطیم که سکنه اش ، از همان آغاز ما را به علت اینکه بصورت دسته خاصی مجزاء شده نه طریقه مصالحه بلکه طریق مبارزه را برگزیده ایم سرزنش نموده اند . "

با تشکر

امریکایی و شرکایش هر لحظه بر سر خلق ستمدیده این سرزمین تحمیل میشود نیازمندی به مبارزه علیه این ستمگری را هرچه بیشتر دامن میزند! چرا؟ چون هر انسان فقیری که گرسنه سر به بالین میگذارد ، هر کودکی که به دلیل فقر بجای مکتب سر کار میرود ، هر دختر وزنی که بخاطر تامین معیشت خویش و خانواده اش دست به تن فروشی میزند ، هر بیماری که به دلیل ناداری خود را درمان نمیکند ، هر انسانی که برای کسب معاش تن به بی احترامی میدهد ، هر کارگری که برای تامین نان خود و خانواده اش به استثمار مضاعف تن میدهد ، هر جوان افغانستانی که به دلیل فقر از تشکیل خانواده باز میماند ، و هزاران نمونه دیگر ، همه و همه حکایت از رنج بارز انسانی دارد . رنجی که اگر ما آنرا بدانیم و درمقابل آن کاری نکنیم از ما موجودی بی تفاوت خواهد ساخت که ، به دلیل آگاه بودن برین بی تفاوتی ، دچار نوعی مسخ ماهوی میشویم و از اصالت انسانی خود خواسته و ناخواسته فاصله میگیریم .

مشکلات وقتی آغاز میشود که دردهای فردی و اجتماعی برای کسانی که جامعه به آنان به چشم مبارزین واقعی مینگرد تبدیل به اعداد و ارقام و امور روزمره و به اصطلاح معمولی میشود . فاجعه فردی در ماهیت انسانی ما و فاجعه اجتماعی در اخلاق اجتماعی جامعه ! علی الخصوص در کشوری که در قرن ۲۱ بازهم مورد تاخت و تاز بیگانگان قرار گرفته است .

دولت دایما به تمام متعلمین و محصلین مکاتب دستور صادر میکند که سیاست نکنید زیرا سیاست کار خوبی نیست! هدفش چیست؟ به یقین کامل میگویم که میخواهد با سرکوب و ترس آفرینی جامعه را وادار نماید تا در مقابل هزاران نمونه و مصداق ظلم و ستم فاحش که بر میلیون ها هموطن مان تحمیل

آری "اتحاد ما بنا بر تصمیم آزادانه ماست"

با تشکر از خواهر عزیز ما خانم بهرامی!

لاله این چمن آلوده ز رنگ است هنوز سپر از دست میانداز که جنگ است هنوز
های آسوده نشینی لب ساحل بر خیز که ترا کار به گرداب و نهنگ است هنوز
در این قسمت محفل از خواهر عزیز خود فاطمه جان دعوت می کنم تا در به جایگاه تشریف
آورده و پارچه شعری را که تهیه نموده به استماع شما عزیزان برساند. تا آمدن شان تشویق
فرماید.

خونبها

مرا به ناله طفلان بینوا قسم است
مرا به اشک یتیم برهنه پا قسم است
به رنج رنجبران،
به درد کارگران،
به قلب پر غم و دستان خالی دهقان،
به مرگ بی کفن -
که بار ما و تو ای دوست! سخت سنگین است
نفاق ما و تو در زیر بار ننگین است .
به سر فرازی قربانیان استبداد،
به خون سرخ شهیدان آزادی،
به اتحاد خلل نا پذیر نسل جوان،
به رستخیز زمان،
به خشم خلق و به عصیان توده ها قسم است -
که اتحاد من و توست مرگ دشمن خلق،
بیا که ما و تو جان و دلیم در تن خلق .
بیا که خون شهید جوان آزادی -
چو داغ در دل سنگین جاده هاست هنوز (۱)
ولیک دیو ستم،
برهنه کرده سلاح -
بخشم و تشنه خون من و شماست هنوز .
بیا! بیا که بهم همچو جان بیامیزیم
حصار خویشتن و سنگر نبرد شویم
به خلق های ستمکش نوید فتح دهیم
به بردگی و ستم بی دریغ بستیزیم
به خونبهای شهیدان بر افکنیم ز پای -
دژ نظام ستم، کاخ ارتجاع کهن .

آقای - اذانسر

بیا بیا که بهم همچو جان بیامیزیم حصار خویشتن و سنگر و نبرد شویم
به خلق های ستم کش نوید فتح دهیم به بردگی و ستم بی دریغ بستیزیم
با تشکر از خواهر عزیز ما "فاطمه" جان!

به زندانی که لرزد از سفیرم

مگو ای زندگی دیگر اسیرم

برافروزم به کاخ دشمن آتش

شرارم، شعله ام، شورم، نفیرم

سر سازش ندارم با تو ای خصم

کمان خصلت نیم، کوبنده تیرم

به مزدوران ارباب زرزور

چنین فریاد میدارد ضمیرم

چه خونین است راه رستن خلق

جزء ننگ است گمراهی پذیرم

درین قسمت از محفل از دوست عزیز خود "نوراحمد جان" تقاضا میکنم تا سخنان شان را ایراد نمایند. تا آمدن شان تشویق بفرمایید.

دوستان عزیز و مهمانان عالیقدر!

بمناسبت ۲۸ اسد، شعری تهیه کردم که خدمت شما عرض میدارم و به تعقیب نامه یکی از دوستان را برایتان میخوانم.

آسمان ابریست

ابری که بدبختی می بارد

زمین غرق در امواج خون شد و سیلابش

بازگو مرگ هزاران بی گناست

رد و وسایقه آهنین پرنده های وحشی

ویران گر هزاران خانه و خانمان هستند

کوه های آتش فشان شدند و دره ها باروت زا

از فضا بمب می بارد و از خم و پیچ دره ها گلوله

انسان ها می میرند و حشی ها غارت میکنند

کشور اشغال شده مردمی و نامردمی از او استقبال میکنند

در شهرها و دهات
غروب هنگام سپیده دمها
نیمه شب ها و همه وقت
آزادی خواهان شهید شده اند
دشمنان شکست خورده اند
انسانها حماسه می آفرینند
اینجا نبرد است ، نبرد مردانگی
جنگ عادلانه
رزم مردمی
پیروزی حتمیست

یکی از دوستان نامه ای نوشته است و در یک قسمت از نامه اش چنین تذکر رفته است:

"در زمان استعمار انگلیس تصورات واهی در اذهان مردم ایجاد گردید که استعمار خارجی افغانستان را برای مدت طولانی واژگونه نگه میدارد، پس البته در کشور ریشه وطن پرستان مبارز از بیخ کشیده خواهد شد، فقر عمومی آغاز خواهد گردید، وحدت ملی افغانستان به واسطه تولید نفاق عمومی پشتون و تاجیک، هزاره و ازبک، سنی و شیعه و امثالهم برهم خواهد خورد و بالاخره فضای دیگر و قشر دیگری ایجاد خواهد گردید که با منافع و مصالح مردم افغانستان ارتباطی نداشته و به ساز دیگران خواهد رقصید.

این تصورات تلخ در طبع روشنفکران تاثیر دو جانبه مثبت و منفی نمود یعنی گروهی نا امید گردیدند، و گروهی برای مبارزه حاضر شدند، مثلاً یک جوان تحصیل کرده در فرانسه (محمد یعقوب خان کندک مشر توپچی) که به طرفداری شاه امان الله خان به جدیت خدمت کرده و در عهد بچه سقاء به همین سبب محبوس شده بود، تصورات گروه اول روشنفکران را در طی یک نثر مختصری از زندان چنین تصویر نمود:

"من در اقیانوس بدبختی محکوم به فناستم، فریاد و ناله، دشنام یا التماس، بغض یا محبت، کوشش یا سستی،

ولی همگی با هم این جهنم واقعی را بوجود آورده ایم ! راستی و درستی ، وطن خواهی و نوع پروری ، کلمات متداوله ماست ، ولی در عمل جزء ترس و کینه ، رنج و بدبختی حاصلی نداریم ، آنچه در محیط ما وجود دارد ، برای تشدید شکنجه و افزایش رنجهای ماست ، علمای علام ، از عمل نیک محروم است ، پاسبان دزد است ، قاضی راشی است ، دولت هم دشمن جان ماست ، فرهنگ کانون جعل و فساد گشته و عدلیه مرکز ظلم و قساوت ! همه میدانیم و همه آهسته این قضایا را صحبت مینماییم ، با وجود آن به متعالمان و ملانمایان احترام میگذاریم ، از پاسبان میترسیم ، به قاضی التماس میکنیم ، از دولت انتظار شفقت و مساعدت داریم و برای دفع ظلم به حکومت پناه میبریم ! اما ، احترام به عالم نمایان ، ترس ما از پولیس ، التماس ما به قاضی ، داد خواهی ما به حکومت و عدلیه همه ریاکاری و دروغ است و دعای علماء ، تحفظ پولیس ، عدالت قاضی از آن دروغ تر است .

" هر سطری ازین نوشته ، شامل یکی از مواد قانون جزائی ماست ، درین کشور حرف بد ، جزء جنایت است لیکن " عمل بد " مباح است ، درینجا همه کارهای بد عملی میشود ، بدون آنکه حرفی از آن به زبان آورده شود و کلیه حرفهای خوب زده میشود بدون آنکه ذره ائی عملی گردد ، ندای فضیلت و تقوا ، از زمین به آسمان میرود ، ولی فضیحت و رسوائی از در و دیوار میبارد . راستی و درستکاری اولین الفبای تدریس مکاتب است ، ولی این نخستین دروغ و نادرستی است که به اطفال ما تعلیم داده میشود . قهقهه ما زهر خندی از بغض و عدوان است که به هر طرفی متوجه گردد چون شعله آتش سوزنده و کشنده است . منظره بدبختی و بینوائی دیگران مسبب نشاط ماست . گرچه ظاهرا با چهره معصوم و غمناک میگوییم : " آه بیچاره ! " اما در باطن موجی از مسرت آتش سببیت درونی ما را تسکین مینماید . اینجا سرزمین عجایب و اسرار است ، مادامیکه سر دیگری را از بدنی جدا مینمایند ، با آهنگ پدرانه میگوییم : " میازار موری که دانه کش است ، که جان دارد و جان شیرین خوش است "

دروغ آتش هیزم جهنم ماست ، دروغ ماده اولیه این کارخانه ، رنج و عذاب است ، دروغ محصول تمام نشدنی این مزرعه آفت والم است ، آری ، دروغ تخم پر حاصلیست که لاینقطع در سرزمین بلا کاشته شده و میوه آن بر خرمن کینه و عداوت ، تنفر و بدبینی ، افزوده میرود ، دروغ کانسرت شیاطین و آهنگی است که در سرتاسر این قبرستان نواخته میشود ، دروغ سرود جهنمیان است ، زندگی ما چیست ؟ در میان شعله های جهنم میخندیم ، گریه میکنیم . میترسیم ، مأوسیم ، امیدواریم ، میروئیم و نمو میکنیم ، گل میدهیم و پژمرده میشویم ، لیکن لهیب این آتش سوزنده ما ابدی است . مگر نسل های آینده ما نیز درین جهنم برای ابد خواهد سوخت ! "

" اصلا زندگی ما به معنی حال وجود ندارد ، زندگی ما به فردا احاله میگردد و ما به فردا علاقمندیم ، فردائی که

خانم - اناانسر

تشکر از دوست عزیز ما "نوراحمد جان" که با سخنان زیبایشان محفل ما را گرما بخشید!
در شبستان چنین سرد و خموش
تا سکوت تلخ ساحل بشکنم
مست و از خود رفته در میدان رزم
چون پرستوهای ناآرام صبح
عقده اوهام این شام سیاه
راز صدها رمز مرگ و وزندگی
دل به توفان بندم و غلطم به موج
عشق میخواند مرا در بزم خلق
آدم ، تا شورشی برپا کنم
سینه را جولانگه دریا کنم
پرمل آزادگی مینا کنم
راز شب را فاش با غوغا کنم
با پیام صبح روشن وا کنم
نقش بر گهنامه فردا کنم
در کنار شعله مستی ها کنم
نا خلف باشم اگر حاشا کنم

درین قسمت از محفل از گروه ترانه ۲۸ اسد تقاضا میکنم تا به جایگاه تشریف آورده و سروده میهنی را که تهیه نموده اند خدمت شما تقدیم بدارند . تا آمدن شان تشویق بفرمایید .

گروه ترانه ۲۸ اسد (سرود اول)

انگیزه زندگی

بود روشنی بخش روشنگران

به بالندگی جنبش بیکران

xxxx

بر آرند از نای آتش به جان

ابر جنگل شعله جاودان

بود روشنی بخش روشنگران

به بالندگی جنبش بیکران

xxxx

تب و تابم انگیزه زندگی است

به جای سخن ناله آتشین

بود روشنی بخش روشنگران

به بالندگی جنبش بیکران

xxxx

بجوشد چو خون در رگ زندگی

به هر جان نو سوز بالندگی

بود روشنی بخش روشنگران

به بالندگی جنبش بیکران

xxxx

بدانسان که روشنگر خاوران

به هستی دهد تاب بالندگی

بدنسان که مرغان آذر نهاد

نوای شرر خیز جان آفرین

بدانسان که روشنگر خاوران

به هستی دهد تاب بالندگی

دل منور و تابندگی است

برآورده اند روزگاری دراز

بدانسان که روشنگر خاوران

به هستی دهد تاب بالندگی

بدانسان که نیروی رزمندگی

به هر موج هستی دهد جان نو

بدانسان که روشنگر خاوران

به هستی دهد تاب بالندگی

گروه ترانه ۲۸ اسد (سرود دوم)

برخیز که دشمن به دیار آمده امروز
ای شیردلان وقت شکار آمده امروز
برخیز که از دشمن آشفته بپرسیم
در خاک دلیران به چه کار آمده امروز
این خصم زبون آگه از اندیشه ما نیست
در ساحت خورشید غبار آمده امروز
این همره باد آگه از اسرار درون نیست
پاییز به پیکار بهار آمده امروز
ما عاشق و سرمست ، علم دار و سلحشور
او بی خبر از عالم یار آمده امروز
مست رخ جانانه ، ز بیگانه نترسد
این شعله به مرگ شب تار آمده امروز

آقای - اذانسر

با تشکر از گروه ترانه ۲۸ اسد که سروده زیبایشان روشنائی بخش محفل ما گردید !
بگذارید این وطن دوباره وطن شود
بگذارید پیشاهنگ دشت شود
(این وطن هرگز برای من وطن نبود)
بگذارید این وطن رویائی باشد که رویا پروران در رویای خویش داشته اند -
بگذارید سرزمین بزرگ و پرتوان عشق شود
سرزمینی که در آن ، نه شاهان بتوانند بی اعتنائی نشان دهند ، نه ستمگران اسباب چینی کنند
تا هر انسانی را ، آن که برتر ازوست از پا درآورد
(این وطن هرگز برای من وطن نبود)
درین قسمت از محفل از دوست عزیز خود " دانشجو " تقاضا میکنم که مقاله ای را که تهیه نموده
است خدمت شما به خوانش بگیرد . تا آمدن شان تشویق بفرمایید .

xxxx

میهن که من دارم.

و تاز و تهاجمات بیگانگان قرار گرفته است، اما مسئله مهم و حیاتی در تاریخ کشور ما این است که مردمان این خطه هرگز در مقابل متجاوزین، اشغالگران و بیگانگان سرتسلیم فرود نیاورده و نخواهند آورد! مردمان دلیر این سرزمین بخاطر کسب آزادی و رهائی خویش از دست اشغالگران سفاک و خون آشام با تقدیم بهترین، پاکترین و صادق ترین فرزندان خود دلیرانه رزمیده اند! فرزندان که دهلیزهای تاریخ کشور ما را با رشادت ها، دلیری ها، حماسه آفرینی ها و فداکاری های خویش، روشنائی ابدی بخشیده اند!

مبارزات، رشادت ها و فداکاریهای نیاکان مان راه رهایی و آزادی را بر ما روشن تر از قبل نموده است. مردم ما در مقابل تجاوزات اشغالگرانه تورانیان، ایرانیان، یونانیان، اموی ها، عباسی ها، انگلیس ها، روسها تا آخرین رمق حیات جنگیده اند و هرگز تن به اسارت و ذلت نداده اند، و اینک نیز در مقابل تجاوز امریکا و شرکای بین المللی اش نیز به مقاومت خواهند پرداخت، و درین برهه از تاریخ راه آزادی خود را با تقدیم بهترین فرزندان رشید خویش فروزان خواهند ساخت و بار بار تجدید عهد و پیمان خویش را بخاطر برپائی این چنین مبارزه ای در برابر اشغالگران علم خواهند کرد!

امروز سالگرد تجلیل حماسه آفرینی های نیاکان مان در برابر تجاوزات و لشکرکشی های بیگانگان به کشور است. محفل امروزی ما بخاطر تجلیل از حماسه آفرینی های گذشتگان مان تدویر گردیده است. محفل امروزی ما بخاطر زنده نگه داشتن تاریخ مبارزات برحق مردمان این خطه به راه افتاده است. محفل امروزی ما بخاطر آن دایر گردیده که غرور متجاوزین و اشغالگران فعلی درهم شکسته شود و محفل امروزی بخاطر آن دایر میگردد تا مسئولیت مان در قبال کشور و مردمان کشور کماکان حفظ گردد. وظیفه ما این است که مسئولیت خود را در قبال مردم حفظ کنیم. هریک از سخنان ما، هریک از اعمال ما و هر یک از رهنمودهای سیاسی ما، همه باید پاسخگوی منافع مردم ما باشند و اگر خطائی روی دهد باید اصلاح شود. این همان چیزی است که مسئولیت در قبال مردم نامیده میشود.

تاریخ کشور ما از هجوم های بسیاری به ما معلومات میدهد: از هجوم تورانیان در ازمه های بسیار قدیم، از هجوم سوارکاران چادر نشین بعدی آسیای مرکزی که در قرن ششم قبل از میلاد بوقوع پیوست، از حمله کوروش که مردم افغانستان شش سال در برابر او سخت جنگیدند و نهایتاً کوروش در ۵۳۹ قبل از میلاد در یکی از جنگها کشته شد، از حمله کمبوزیا به این کشور و به تعقیب از حمله داریوش سوم که در افغانستان بدست والی باختریان کشته شد، از حمله اسکندر مقدونی که درین کشور با مقاومت حماسی مردمان افغانستان مواجه گردید و چهار سال مداوم درین کشور درگیر ماند و خود در شرق افغانستان زخم برداشت و سپاهش متلاشی گردید. از حمله و نفوذ دولت تانگهای چین در شمال افغانستان در قرن هفتم میلادی، از حمله اعراب به افغانستان و استبداد دولت های اموی، عباسی و مبارزات و قیامهای مردم افغانستان تحت رهبری ابومسلم خراسانی و به تعقیب آن تحت رهبری سند باد در سال ۷۵۹ میلادی، از مقاومت مردم در مقابل سلطه خارجی و فشار ارتجاع داخلی تحت قیادت طاهر پوشنگی و علاوه بر آن عیاران اصیل، از حمله مغول در قرن ۱۳ و مبارزات قهرمانانه مردم افغانستان خصوصاً شهر طالقان و عیاران آن که دلیرانه و تا آخرین نفس در مقابل متجاوزین سرتسلیم فرود نیاوردند و جانانه به دفاع از عزت و شرف مملکت به دفاع برخواستند، از حمله امیر تیمور در قرن ۱۴ و ۱۵ میلادی بر افغانستان و مبارزات دلیرانه مردمان این خطه، از حمله انگلیس در ۷ اگست ۱۸۳۹ میلادی به افغانستان و مقاومت حماسی مردمان این کشور که در طی سه جنگ افغان - انگلیس، مردمان دلیر این خطه موفق به بازپس گیری استقلال افغانستان در ۲۰ اگست ۱۹۱۹ گردیدند، از حمله روسها به کشور در ششم جدی ۱۳۵۸ یا ۲۷ - م - دسامبر ۱۹۷۹ که با مقاومت حماسی مردمان این خطه مواجه شدند و اینک در قرن بیست و یکم کشور ما بار دیگر مورد تهاجم و لشکرکشی امریکا و انگلیس و دیگر شرکای خورد و ریزشان قرار گرفته است!

با نگاهی مختصر به تاریخ کشور خویش پی میبریم که سرزمین ما از همان ازمه های قدیم تا به امروز مورد تاخت

خانم - انا نسر

با تشکر از دوست عزیز ما " دانشجو "

"وظیفه ما این است که مسئولیت خود را در قبال مردم حفظ کنیم. هریک از سخنان ما، هریک از اعمال ما و هریک از رهنمود های سیاسی ما همه باید پاسخگوی منافع مردم ما باشند و اگر خطائی روی دهد باید اصلاح شود- این همان چیزی است که مسئولیت در قبال مردم نامیده میشود "

آه - بگذارید سرزمین من سرزمینی شود که در آن آزادی را

با تاج گلی ساختگی وطن پرستی نمی آریند .

اما فرصت و امکان واقعی برای همه کس هست، زندگی آزاد است،

و برابری در هوای است که استنشاق میکنیم

(درین " سرزمین آزادگان برای من هرگز

نه برابری در کار بوده است، نه آزادی)

درین قسمت از محفل از خواهر عزیز خود آزاده افغان تقاضا میکنم تا شعری را که آماده نموده است خدمت شما ارائه نماید . تا آمدن شان تشویق بفرمایید .

xxxx

دختر افغان

غروب سرد خاموشت فروزان میشود یا نه

شب بیداد ظلت پر تو افشان میشود یا نه

تو همچون صخره ای با موج دشمن دشنه سائیدی

پریشان خاطرت آیا به دوران میشود یا نه؟

تو میدانی و من دانم و آن شبهای ظلمانی

همین دوران بی حاصل به جبران میشود یا نه

بهاران میرسد آخر، تو همچون غنچه امید

بین آشفتهگی هایت به سامان میشود یا نه

بسان سرو لرزیدی، مگر هرگز نگشتی خم

شهامت های والایت به دیوان میشود یا نه

وطن ویران ویران است، ازین پس آستین

ازین آزاده کشور مشکل آسان میشود یا نه

کمر بر بند و همت کن، توان از خویشتن برگیر

تاما کن گلستان شهر افغان میشود یا نه

مداوا این وطن از دست زیبای تو میخواهد

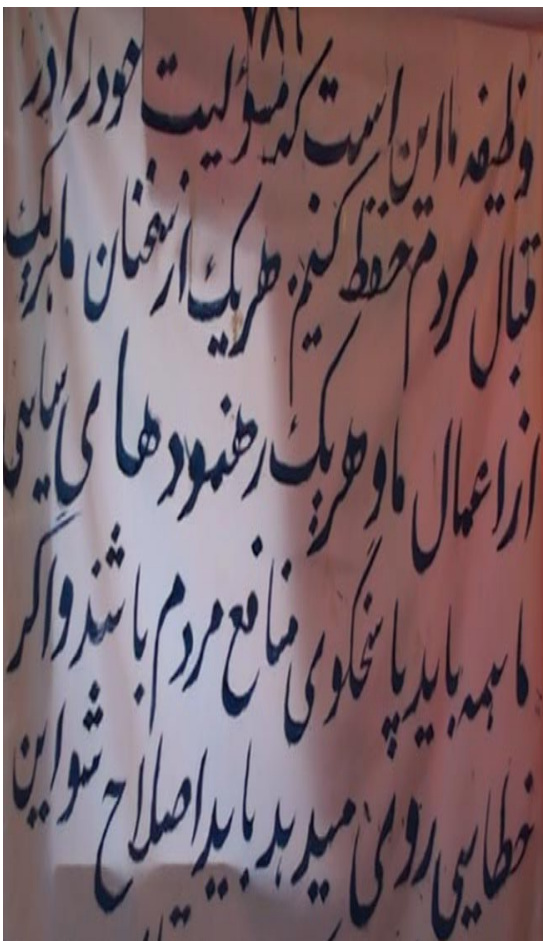
کوتاه دست غرض از ملک افغان میشود

الهی مامن ما را به لطف خویش، حفظش کن

اجابت این دعای روزه داران میشود یا نه؟

ندای حق همین گوید، برین قلب حزین من

نگر آخر گنهکاران به زندان میشود یا نه؟



آقای - اذانسر

از خفتگان اگر چه بود دور، کاروان
لیکن برای خاطر این خلق ناتوان
بر مردگان اثر نکند ناله و فغان
با ما بیا به معرکه جنگ دشمنان
تا آتش مبارزه را، گرمتر کنیم

با تشکر از خواهر عزیز ما آزاده افغان!

آه، بگذارید این وطن بار دگر وطن شود
سرزمینی که هنوز آنچه میبایست بشود، نشده است
و باید بشود!

سرزمینی که در آن هر انسانی آزاد باشد
سرزمینی که از آن من است، از آن بینوایان، که این وطن را وطن کردند
که خون و عرق جبین شان، درد و ایمانشان
در ریخته گری های دست هایشان، و در زیر باران خیش هایشان
بار دیگر باید رویای پرتوان ما را باز گرداند.
آری، هر ناسزائی را که به دل دارید نثار من کنید
پولاد آزادی، زنگار ندارد.

از آن کسان که زالووار به حیات مردم چسبیده اند
ما می باید سرزمین مان را بار دیگر باز پس بستانیم

درین قسمت از محفل از خواهر عزیز خود فهیمه جان احمدی تقاضا میکنیم تا مقاله ای را که تهیه
دیده است تقدیم تان نماید. تا آمدن شان تشویق بفرمایید.

حضار نهایت گرمی! خانم ها و آقایان!

۲۸ اسد امسال مصادف است با نود و یکمین سالروز استرداد استقلال افغانستان از استعمار انگلیس. این روز یادآور
حماسه ها، رشادت ها، ایثار و فداکاری مردمان سلحشور این مرز و بوم میباشد که به دهشت افگنی ها، ظلم ها و ستم های
استعمار انگلیس خاتمه بخشید. در طول ۸ دهه تسلط استعمار انگلیس بر این کشور، استعمارگران انگلیسی همواره با
مقاومت دلیرانه و شجاعانه مردمان این کشور روبرو گردیده و شکست های پی در پی نصیب شان می گردید. اما با سازش
امیران خائن و وابسته به استعمار، دوباره اشغالگران بر این کشور مسلط می گردیدند. تا بالاخره در ۲۸ اسد سال ۱۲۹۸
استعمارگران انگلیسی جبراً وادار شدند تا استقلال سیاسی این کشور را به رسمیت بشناسند.

درین مبارزه ضد استعماری و بی امان امیران وابسته ننگیدند، بلکه همه مردم اعم از زن و مرد پهلوی به پهلوی گزیدند
و شجاعانه جنگیدند. زنان علاوه بر رساندن آذوقه، خوراکه و مهمات جنگی به رزمندگان، شمشیر و تفنگ نیز به دست
گرفتند و در برابر اشغالگران جنگیدند و درین راه شهید و غازی شدند.

از جمله این زنان قهرمان، ملالی است که نامش ثبت تاریخ این کشور میباشد.

"پشتنه بی بی" یکی دیگر از زنان قهرمان این مبارزات است. زمانیکه شوهرش اکرم خان توسط انگلیس ها به توپ پرانده

به راه انداختن انتخابات بدون استقلال کشور، هیچ معنا و مفهومی جز قبول تسلط اشغالگران بر سرنوشت کشور ندارد.

زمانیکه یک کشور استقلال خود را از دست می دهد، تمام کسانی که بر چوکی های دولتی تکیه می زنند از خود اختیاری نداشته و ندارند و فقط باید از فرمان اشغالگران اطاعت نموده و تمام دساتیر آنها را پیاده کنند.

چنانچه همه ما و شما به چشم خود دیدیم که پارلمان کشور در مدت پنج سالی که گذشت از خود اختیار و صلاحیتی نداشت. به هر وزیری که رای عدم اعتماد داد بر پست خود باقی ماند، زیرا وزیر مذکور از پشتیبانی یکی از کشورهای خارجی برخوردار بوده و میباشد و به نمایندگی از اربابش بر مسند چوکی باقی مانده است. در همین اواخر دیدیم که داوود نجفی از پارلمان ۳۴ رای به دست آورد ولی هنوز هم سرپرست یک وزارت است و یقیناً تا پارلمان بعدی این وظیفه را به عهده خواهد داشت و ممکن است در پارلمان بعدی به عنوان وزیر بر پستش باقی بماند. رای دادن به چنین وکلایی چه نتایجی را برای مردم به ارمغان خواهد آورد؟ جواب روشن است که هیچ! زیرا وکلای گذشته چه کاری را انجام دادند که وکلای بعدی بتوانند انجام دهند. شما خود شاهد هستید که کرزی چندین بار از تلویزیون اعلام نمود که: "یا برایم صلاحیت بدهید و یا مرا برکنار کنید." وقتی فرد درجه یک کشور معتقد باشد که هیچ صلاحیتی ندارد، از وزراء و یا وکلاء چه توقعی می توان داشت؟

انتخابات و رفتن به پای صندوق های رای دهی در عدم استقلال واقعی کشور به معنی تحمیق توده ها و ایجاد سر در گمی در بین مردم است، پس باید که به همه نمایشات فریبکارانه "نه" گفت!

این نمایشات مضحکه روز به روز فساد اداری را دامن می زند. این فساد از طرف اشغالگران دامن زده میشود و بیشترین نفع مادی را نیز ایشان می برند. به عبارت دیگر بیشترین اختلاس توسط نیروهای امریکایی و انگلیسی میشود.

تا زمانیکه نیروهای خارجی از کشور اخراج نگردند و حاکمیت مردمی مستقر نشود از بین بردن اختلاس و به دست آوردن استقلال واقعی کشور غیر ممکن است.

به پیش در راه کسب استقلال حقیقی افغانستان!

زنده باد نیروهای ملی، آزادیخواه و انقلابی کشور!

تشکر

شد به جای اینکه در ماتم شوهر گریه و زاری کند چادر را کنار گذاشت و بر زن و مرد خطاب نمود و چنین گفت:

"برادران و خواهران، امروز در خانه احمد شاه بابا ماتم آمده، فرنگی در خانه ما بر خاک پاک ما حمله کرده، اگر شجاعت و غیریت دارید برخیزید، شمشیر به دست گیرید و دشمن را از خاک برانید."

بعدا خودش اسپ شوهر را سوار میشود، همه مردم اعم از زن و مرد و جوان به حرکت در می آیند و در میدان رزم چنان گوشمالی به دشمن میدهند که هنوز به یادشان میباشد.

"غازی ادی" نیز از زنان مبارز جنگ دوم افغان - انگلیس میباشد. دلآوری و رشادت این زن نیز پیام آور آزادی تمام آزادیخواهان میباشد. در حالیکه در جنگ شوهر و پسرش کشته میشود. اما او کوچکترین تاثیری بر خود راه نداده و تفنگ پسرش را گرفت و بر دشمن حمله ور شد.

"میرمن اسپین ادی" زن مبارز و شاعری بود که از استعمارگران نفرت داشت و همیشه با سروده های حماسی و تبلیغات ضد اشغال جوانان را تشویق به مبارزه می نمود و خودش نیز در صحنه حضور می یافت.

زنان مبارز و قهرمان دیگری که ضد اشغالگران انگلیس جانانه رزمیدند، عبارت بودند از: معصومه ترور، مستوره، زهرا، بی بی کنجان (بلوچ)، بی بی مریم (بلوچ)، بی بی بانو و چاکلی (بلوچ) و عده بشمار دیگری که درین راستا به مبارزه برخاستند، جنگیدند، غازی و شهید شدند. متأسفانه تاریخ مردسالار افغانستان این فداکاری های زنان را نادیده انگاشته است.

پس از کسب استقلال کشور، دیری نپایید که استعمارگران انگلیسی با حیله و نیرنگ توانستند شاه امان الله را به زیر کشیده، نوکر درجه یک خویش (نادر شاه غدار) را بر تخت بنشانند. عملکرد خائنانه این خاندان مسبب ورود ارتش اشغالگر روسیه به افغانستان گردید. این اشغالگران نیز با مقاومت جانانه مردم مواجه شدند. متأسفانه که سرنوشت این مقاومت را نیروهای وابسته به غرب به دست گرفته و اوضاع کشور را از بد، بدتر ساخته و نوکری بیش از چهل کشور را پذیرفتند و افغانستان را به یک مستعمره تمام عیار تبدیل نمودند.

اشغالگران که با شعارهای دروغین "مبارزه علیه تروریسم"، "آزادی زنان" و "ایجاد دموکراسی" وارد افغانستان گردیدند و نمایشات مضحکه ای از قبیل "لویه جرگه اضطراری"، "لویه جرگه قانون اساسی"، "انتخابات ریاست جمهوری، پارلمانی و شوراهای ولایتی" را به راه انداختند. این نمایشات در ابتدا در میان مردم توهمات را دامن زد، اما به زودی نتایج این نمایشات خود را داد.

خانم - انانسر

با تشکر از خواهر عزیز ما فهمیه جان احمدی !

"استقلال و آزادی واژگانی اند که به شرافت و انسانیت هر فرد عجین است ."

آه ، آری ،

آشکارا میگویم این وطن برای من هرگز وطن نبود ،

با وصف این سوگند یاد میکنم که وطن من ، خواهد بود!

رویای آن،

همچون بذری جاودانه

در اعماق جان من نهفته است .

ما مرد م، می باید

سرزمین مان ، معادن مان ، گیاهان مان ، رودخانه هایمان ،

کوهستانها و دشت های بی پایان مان را آزاد کنیم

همه جا را ، سراسر گستره این وطن را -

و بار دیگر وطن را بسازیم !

درین قسمت از محفل از خواهر عزیز خود "مرجان لطیف زاده" تقاضا میکنم که به جایگاه تشریف آورده و مقاله ای که تهیه نموده به خوانش بگیرد . تا آمدن شان تشویق بفرمایید .

xxxx

پیش عاقل بی تخصص گر عمل معقول نیست

پس چرا در کشور ما این عمل معمول نیست؟

با فلاکت مملکت از چهارسوء پر سائل است

وز برای این همه سائل کسی مسئول نیست

و هر کس که تبعه افغانستان به شمار میرود مکلفیت دارد تا ازین روز تاریخی تجلیل به عمل آورد .

۲۸ اسد سالروز استرداد استقلال افغانستان از انگلیس

است . تجلیل این روز مهم و تاریخی ، تجلیل از دلاوری

ها ، قربانی ها و جان نثاری های شهدا و رزمندگان

قهرمان این مرز و بوم است . تجلیل این روز ، تجلیل از

ملالی هاست ، تجلیل از میرمسجدی هاست ، تجلیل از

عبدالله اچکزی هاست ، تجلیل از ملا مشک عالم هاست

و تجلیل از هزاران شهید و رزمنده نام آور و گمنام دیگر

این سرزمین است . تجلیل از حماسه آفرینی های مبارزات

استقلال طلبانه فرزندان این وطن است که در دشت و

مهمانان عزیز من هم به نوبه خود تشریف آوری شما را در محفل گرامیداشت ۲۸ اسد خیرمقدم عرض میکنم و

تشکر میکنم ازینکه برایم فرصت داده شد تا پیرامون این

روز تاریخی چند کلمه ای صحبت نمایم .

طوریکه همه مستحضر هستید روز استرداد استقلال

افغانستان ، روزی است که به کل مردم افغانستان مربوط

است ، یعنی صرفا برای یک قشر محدود زنان ، مردان ،

جریانات چپ و راست ارتباط نمیگیرد و یک روز تاریخی

ملی شمرده میشود . دست آورد این روز تاریخی به کل

جریانات سیاسی و اقشار طبقاتی جامعه ارتباط میگیرد .

این روز و تجلیل از مراسم تاریخی آن علنی و قانونی است

شده است. نیروهایی که امروزه در خاک افغانستان به بهانه تامین "آزادی زنان" لشکر کشی نموده اند چاره ای ندارند جزء اینکه به صورت نمایشی عده ای از زنان را به پارلمان، وکالت و ریاست منصوب نمایند تا رنگ و بوی "آزادی زنان" را به خورد مردم بدهند و اذهان عموم را بفریبند! درحالیکه مردمان افغانستان به خوبی میدانند که آزادی فردی تا زمانی که آزادی یک کشور تامین نگردد بی مفهوم و بی محتوی است! هیچ فردی نمیتواند به استقلال خود برسد بدون اینکه کشور استقلال داشته باشد.

کشوری که تحت اشغال نیروهایی قرار دارد حیثیت یک زندان بزرگ را به خود کمائی میکند. شما فکر کنید در درون یک زندان که از بلاکهای متفاوتی ساخته شده، یک تعداد از زندانیان حقوق بیشتری و یک تعداد زندانیان حقوق کمتری داده شوند. اما ماهیت اصلی در کجاست، همه زندانی اند!! چه آنکسانی که حق بیشتری برایشان داده شده و میتوانند در صحن زندان آزادانه گشت و گذار کنند و یا آنکسی که در درون یک زندان تک سلولی اسیر است. همه از ماهیت زندانی بودن و متهم بودن برخوردارند. افغانستان فعلی هم حیثیت چنین زندانی را برای زنان در بر دارد، تا زمانی که استقلال واقعی کشور به دست نیاید و نیروهای اشغالگر از کشور بیرون نشوند، به زنان هرچقدر هم که حق داده شود بازهم همان ماهیت اصلی یعنی ستم بر زن و حاکمیت نظام مردسالار سر جای خود است!

زنان اگر واقعا میخواهند به حق و حقوق واقعی خود برسند باید با دید بازتری به قضایا نگاه کنند. برای حقوق زنان در افغانستان در قدم اول مستلزم این نیست که بی اختیار از دولتی که فاقد اختیار است دفاع نماییم، آقای کرزی صد ها مرتبه از طریق رسانه ها اعلام کرده که بمباران قوای خارجی قابل تقبیح و نکوهش است و صد ها مرتبه تقاضا کرده که اینکار را نکنند ولی آنها کار خود را میکنند! اگر خارج از هرات سفر کرده باشید در مسیر شاهراه ها همین قوای خارجی شما را چندین ساعت مکمل پشت ترافیک نگه میدارند بدون اینکه

کوه، در صحرا و آبادی و در روستاها و شهرها، در اشکال و صور گوناگون محقانه به پیش بردند و رزمیدند. یاد این شهدا را گرامی میداریم.

اجازه میخواهم تا پیرامون نقش زنان در شرایط کنونی بحث داشته باشم. جامعه افغانستان، جامعه ای است که متشکل از حدود تقریبی ۳۶ میلیون نفوس میباشد. این مجموع نفوس مرکب از دو بخش زنان و مردان جامعه میباشد. مردان بدون اتکاء زنان و زنان بدون اتکاء مردان نه میتوانند آزادی واقعی داشته باشند و نه هم میتوانند به آزادی واقعی برسند. اگر نصف پیکر جامعه فقط عناصر خانگی باشند و فقط نیم پیکر جامعه در تلاش آزادی باشند، هیچ جامعه ای نمیتواند از مزایای آزادی مستفید گردد. عده ای هستند که فکر میکنند زنان نمیتوانند در صف مبارزات استقلال طلبانه دوشادوش مردان حرکت کنند، اما این طرز تفکر ناشی از فرهنگ مسلطی است که بر ما تحمیل شده و یکی از دلایل که همیشه مبارزات استقلال طلبانه ما به نتیجه نهایی خود نرسیده همین مسئله است که نقش فعال زنان در عرصه مبارزات استقلال طلبانه نادیده گرفته شده و با تمام قوت از سهم بارز آنها کاسته شده است و نوع مبارزات استقلال طلبانه صرفا مبارزه استقلال طلبانه فرعی بوده است. در زمان جنگ مقاومت علیه روسها بیشتر مردم به این فکر بودند که زودتر زنان و دختران شان را از صحنه جنگ بیرون کنند و دلیل آنهم مشخص بود اولاً دلیل فشار اجتماعی و ثانیاً ذهنیت حاکم که از اجتماع ناشی شده بود زمینه ساز این موضوع بود که زنان و دختران نباید در عرصه مبارزات درگیر چنین جنگی شوند، عده ای از زنان هم که میخواستند سهم خود را اداء کرده باشند فقط وظیفه نان پزی برایشان محول شده بود و بس! نه گروپ مشخصی از زنان وجود داشت تا فعالانه در عرصه مبارزات استقلال طلبانه علیه روسها بجنگند و نه هم موجودیت زنان در صحنه های جنگ چندان قابل دید بود!

تاریخ کشور ما بخوبی شاهد این بوده که در طی ادوار تاریخی، این کشور میدان تاخت و تاز ابرقدرتهای شرق و غرب بوده و دایما استقلال سیاسی کشور به تاراج برده

داربود و بعد از اینکه جنجالهای خلق و پرچم شروع شد به پاکستان فرار کرد و او را مسلح نمودند ، مولوی یونس خالص هم یک ملای مسجد بیش نبود ولی با صرف میلیاردها دالر به شخصیت در میان طالبان بدل شد ، و حالا زنان ستمدیده افغانستان را امریکایی ها میترسانند که اگر نخواهید از دولت فعلی دفاع کنید طالبان دوباره به سرزمین شما خواهند آمد ، یعنی به این مفهوم که میخواهند زنان را بترسانند تا از دولت فعلی به هر شکل و شمایلی دفاع نمایند . در ثانی همین اکنون چرا ۲۰ نفر از کاندیدان زن در کابل از لست کمیسیون انتخابات پایین افتاده است و چرا ۴۰ تایی دیگرش در شرف پایین افتادن از لست هستند؟ چون پروسه سازش با طالبان شروع شده است و میزگردهای مذاکراتی بین دولت و طالبان به راه افتاده است ، یقینا که اگر دولت موفق شود طالبان را به پروسه سازش بکشاند ، باید یکمقدار خواسته هایشان را نیز درج قانون دولتی اش نماید . پس کجا شد این همه ساز و آوازه که برای "رهایی زنان" از دست طالبان آمده اند؟ دولت چطور وارد مذاکره و سازش با طالبان میشود؟ خوب معلوم است کسانی را که خودش پرورش داده و تربیت نموده دیروز از اریکه قدرت کنار زده امروز میتواند با آنها سازش نماید . وقتی اوضاع عراق را از سر بگذاریم به عین ترتیب دیده میشود که زنان در زمان حکومت صدام حسین خیلی وضعیت و شرایط بهتری نسبت به حال داشتند . نتیجه ای که برای زنان عراقی به بار آورد به غیر از استبداد چه چیز دیگری میتواند باشد؟

رژیم فعلی آقای کرزی با موجودیت کسانی مثل آقای سیاف ، ربانی ، مجددی ، یک رژیم ضد زن شمرده میشود حالا با کشیدن طالبان به درون دستگاه دولتی و به پای پروسه سازش این حالت برای زنان افغانستان خیلی تیره تر خواهد شد .

با تشکر

متن سخنرانی (۲) --- (لطیف زاده)

حتی کوچکترین احترامی به ارزش انسانی مردمان این خطه داشته باشند ، خواه این شخص مریض باشد ، خواه بمیرد و یا انتظار بکشد باید پشت ترافیک معطل بماند تا وقتی که دلشان بخواهد راه را باز کنند! جالب اینجاست که به درون خانه خودمان هستیم ولی هیچگونه اختیاری از خود نداریم! ازین موضوعات فقط چهار نفر زنی که در بالا نشسته اند لذت میبرند و بس!

در مناطقی که تحت کنترل طالبان هم هست عین قضیه صورت میگیرد، زنان اصلا اختیاری از خود ندارند، فرهنگ قرون وسطی آنقدر ریشه دوانده است که به زنان هیچ اختیاری حتی در جنگهای شان علیه قوای خارجی نمیدهند. هنگامیکه به زنان تحت مناطق شان هم کدام تجاوزی صورت بگیرد ، برای مردان شان هیچ راهی به جزء انتحار باقی نمی ماند. این عملکردها همه زاده سیاست غلط خود طالبان است که منجر به چنین وقایعی میگردد .

سیاستی که طالبان دارند عملا نیم پیکر جامعه را از مبارزه ساقط نموده است. اما ما چه میخواهیم و چه میگوییم؟ ما میگوییم که زنان در تمام عرصه ها حق دخالت دارند، حق سیاست دارند ، زنان باید سهم فعال در مبارزات استقلال طلبانه کشور اتخاذ نمایند و در مقابل تمام کسانی که سد راه شان میشوند ایستادگی نموده و علیه آن مبارزه نمایند .

مبارزه علیه ستم بر زن مستلزم مبارزه آزادیخواهانه و استقلال طلبانه کل کشور است. امروزه امریکایی ها بهانه می آورند که ما بخاطر تامین آزادی زنان آمده ایم، آزادی که توسط طالبان ساقط شده بود. درحالیکه اگر یک بارهم به تاریخ گذشته رجوع شود دیده میشود که حزب اسلامی گلبدین بزرگترین حزبی بود که امریکایی ها به آن تسلیحات میداد ، طالبان نیز به عین ترتیب ! اینها کسانی نبودند که از متن جامعه برخوردار باشند ، کسانی بودند که توسط خود امریکایی ها پرورش داده شدند و امروز همین آمریکای جنایتکار دلیل می آورد که برای رهایی زنان به این جامعه آمده است ، گلبدین حکمتیار در زمان حکومت ذوالفقار علی بوتو یک سرای

آقای - اذانسر

بله ، "اگر نصف پیکر جامعه فقط عناصر خانگی باشند و نیم دیگر جامعه در تلاش آزادی باشند ، هیچ جامعه ای نمیتواند به آزادی برسد "

با تشکر فراوان از خواهر عزیز ما "لطیف زاده" !

هرگز از مرگ نهراسیده ام

اگرچه دستان اش از ابتدال شکننده تر بود

هراس من - باری - همه از مردن در سرزمینی است

که مزد گورکن

از بهای آزادی آدمی

افزون باشد .

جستن

یافتن

و آنگاه

به اختیار برگزیدن

و از خویشتن خویش

با رویی پی افکندن -

اگر مرگ را از این همه ارزشی بیشتر باشد

حاشا حاشا که هرگز از مرگ نهراسیده باشم .

درین قسمت از محفل از خواهر عزیز خود - سارا پناه - تقاضا میکنم که به جایگاه تشریف آورده و

دکلمه ای را که تهیه نموده اند به خوانش بگیرند . تا آمدن شان تشویق بفرمایید .

xxxxxxx

زننده مردگان

ای دل بیا به عالم دیگر سفر کنیم

منزل برون ز دایره خیر و شر کنیم

زین مرده پروری همه صرف نظر کنیم

خود را خلاص از غم این درد سر کنیم

زین تنگنای حادثه جانرا بدر کنیم

اینجا که فرق خاین و صادق نمی شود

هر کار جز به کام منافق نمی شود

خدمتگزار جامعه فایق نمی شود

تفریق بین حاجب و سارق نمی شود

تا کی به سود ظلم قبول ضرر کنیم؟

اینجا که جای رشوت و ظلم و خیانتست

اینجا که پول، عز و علا و شرافتست

اینجا که چاپلوس و دنی مرد خدمتست

اینجا که نردبان بلندی دنائتست

بسیار مشکل است که بالا گذر کنیم

یک عده مست عشرت و اقبال و عزتند

جمعی اسیر پنجه ادبار و ذلتند

یک دسته غرق عیش و نشاط و مسرتند

خلقی اسیر غصه و درد و مصیبتند

در این دو انتها به کجا شکوه سر کنیم؟

یکسو فغان و آه اسیران رسد به گوش

یکسو صدای قلقل و فریاد نوش، نوش

اینجا ز بی لباسی خود خلق در خروش

آنجا سگان حضرت عالی خزینه پوش

زین بی عدالتی چقدر دیده تر کنیم؟

آن دیگران که کاشف سیاره ها شدند

نی همچو ما محرک پتیاره ها شدند

دایم به فکر چاره بی چاره ها شدند

بر بال علم، آنسوی استاره ها شدند

ما تا به چند پینه به پالان خر کنیم؟

آتش ز نیم خرمن هستی ظالمان

ویران کنیم نظم ستم بر ستمگران

با عزم همچو کاوه و با خشم بیکران

اورنگ ظلم و کاخ غرور سکندران

از بیخ و بن فگنده وزیر و زبر کنیم

این توده فسرده از خویش بی خبر

بی آب و نان و بی کس و بی علم و بی هنر

امروز او، ز حالت دیروز او بتر

فرداش از تغافل امروز تیره تر

بر خیز تا ز آخر کارش خبر کنیم

از خفتگان اگر چه بود دور، کاروان

بر مردگان اثر نکند ناله و فغان

لیکن برای خاطر این خلق نا توان

با ما بیا به معرکه جنگ دشمنان

تا آتش مبارزه را، گرمتر کنیم .

از خفتگان اگر چه بود دور، کاروان
بر مردگان اثر نکند ناله و فغان
لیکن برای خاطر این خلق نا توان
با ما بیا به معرکه جنگ دشمنان
تا آتش مبارزه را، گرمتر کنیم .

با تشکر از خواهر عزیز مان سارا پناه !

درین قسمت از محفل از گروه ترانه ۲۸ اسد تقاضا میکنم تا به جایگاه تشریف آورده و ترانه میهنی را که آماده نموده اند، خدمت شما تقدیم بدارند . تا آمدن شان خوب تشویق بفرمایید .

XXXXXXXXXXXXXXXXXXXXXXXXXXXXXXXXXXXXXXXXXXXXXXXXXXXXXXXXXXXXXXXXXXXX

گروه ترانه ۲۸ اسد (سرود سوم)
در سنگر و در دفتر

"باغیرنمی جوشم، با خصم نه پیوندم" "پیمان وفا داری با مردم خود بندم" (۲)

XXXXX

"هردم بتواند یشم، بیگانه من از خویشم" (۲) "با سوز تو همراهم، با درد تو خر سندم"
با درد تو خر سندم

"باغیرنمی جوشم، با خصم نه پیوندم" "پیمان وفا داری با مردم خود بندم"

XXXXX

"در سنگر و در دفتر، در کوچه و در بازار" (۲) "میرقصم و می جنگم، می گیریم و می خندم" (۲)
می گیریم و می خندم

"باغیرنمی جوشم، با خصم نه پیوندم" "پیمان وفا داری با مردم خود بندم"

XXXXX

"در عشق تومی سوزم، با سوز تو می سازم" (۲) "در آتش سوزانت، چون دانه اسپندم"
چون دانه اسپندم

"باغیرنمی جوشم، با خصم نه پیوندم" "پیمان وفا داری با مردم خود بندم"

XXXXX

"تا خون به رگم باشد، در راه تومیریزم" "ای عشق من ای میهن! باشد بتوسو گندم"
باشد بتوسو گندم

"باغیرنمی جوشم، با خصم نه پیوندم" "پیمان وفا داری با مردم خود بندم"

XXXXX

"من خصم زبون سازم، من گردسز اندازم" "بر مرگ ستم کیشان، میرقصم و می خندم"
میرقصم و می خندم

"باغیرنمی جوشم، با خصم نه پیوندم" "پیمان وفا داری با مردم خود بندم"

XXXXX

آقای - اذانسر

پیمان وفاداری ، با مردم خود بندم

با غیر نمی جوشم ، با خصم نه پیوندم

با تشکر از گروه ترانه ۲۸ اسد !

جهانی دیگر از نو آفریدن
به بال زحمت انسان پریدن
درین وادی به پرواز آوریدن
گیاه هرزه گی را پاک چیدن
جهانی دیگر از نو آفریدن

چه جانبخش است ، در عشقی تپیدن
به سوی کهکشان ها پیش رفتن
شهاب تیزگام رزم پیکار
زباغ آرزوی رادمردان
خوشا در پرتو خورشید زحمت

درین قسمت از محفل ، توجه شما عزیزان را به متن قطعنامه محفل تجلییه ۲۸ اسد ۱۳۸۹ جلب میدارم و از دوست عزیز خود منصور جان تقاضا میکنم تا به جایگاه تشریف آورده و قطعنامه را به خوانش بگیرند . تا آمدن شان تشویق فرماید .

xxxx

هر راه می توان رفت	هر کار می توان کرد
با رنج می توان گنج	از کام شیر آورد
از آسمان هفتم	باید ربودن ماه
یا صید لاک پستان	از قعر پنج دریا
دشوار نیست هرگز	پیچیده کار دنیا
جرات کن و خطر کن	بین فتح قله ها را

قطعنامه

محفل گرامیداشت نود و یکمین سالروز استرداد استقلال افغانستان

بیست و هشتم اسد امسال نود یکمین سالگرد استرداد استقلال افغانستان از دست استعمار انگلیس است . تجلیل از بیست و هشتم اسد در حقیقت تجدید پیمان با شهداء و جانبختگان راه آزادی و استقلال است . مردم افغانستان نه تنها استعمارگران انگلیس را مجبور ساختند که استقلال افغانستان را به رسمیت بشناسند ، بلکه اشغالگران سوسیال امپریالیزم شوروی را نیز وادار به خروج از این کشور نمودند . ما یقین داریم که اشغالگران امریکائی و متحدین شان نیز نمی توانند برای مدت مدید در این کشور باقی بمانند . آنها نیز مانند روس ها و انگلیس ها ناچار خواهند شد از این کشور پا پس بکشند . مبارزات و مقاومت های مردمان این مرز و بوم را بر آنها تحمیل خواهد کرد .

محفل امروزی به ابتکار "کمیته برگزاری ۲۸ اسد" برگزار گردیده که به مثابه تعهد و ادامه راه رهروان راه آزادی و استقلال و نیاکان سلحشور و مردمان در بند و اسیر است .
ما نظرات و خواست های مان را به صورت ماده وار چنین بیان می داریم :

۱. آزادی مملکت و میهن ما بدون کسب استقلال واقعی آن ناممکن است.
۲. استقلال واقعی کشور فقط در اثر اخراج بدون قید و شرط نیروهای خارجی ممکن می گردد.
۳. مبارزه علیه تروریسم، آزادی زنان، همه بهانه و روپوش برای تجاوز به کشور است، به این اساس دست متجاوزین و مداخله گران تحت هر نام و بهانه ای از افغانستان باید کوتاه گردد.
۴. رژیم می که تحت حمایت نیروهای خارجی و اشغالگر به وجود آمده باشد، هیچ گونه مشروعیت ندارد بلکه فقط یک رژیم مزدور و مدافع نیروهای خارجی میتواند باشد.
۵. پارلمان رژیم نیز مانند سایر دستگاه های رژیم یک پارلمان پوشالی است و اعضای آن نیز نمیتوانند، نمایندگان مردم افغانستان بوده و از آنها نمایندگی کنند.
۶. رفتن به پای صندوق های رای و شرکت در انتخابات فرمایشی جزء مشروعیت بخشیدن به رژیم وابسته و فاسد چیز دیگری نیست.
۷. طرح تجزیه افغانستان کار دشمنان این مملکت است و ما این طرح امپریالیستی و ارتجاعی اشغالگران و نوکرانشان را محکوم می کنیم.
۸. ما خواهان تساوی کامل حقوق میان مردان و زنان در تمام عرصه های اجتماعی، اقتصادی، سیاسی و فرهنگی در کشور بوده و خواهان لغو ازدواج اجباری می باشیم.
۹. ما خواهان برقراری تساوی میان ملیت های مختلف کشور و لغو هرگونه امتیاز و برتری طلبی ملی هستیم.
۱۰. آزادی عقیده و بیان را تحت شعار محوری "جدائی دین از دولت" راه خلاصی از بنیاد گرایی میدانیم.

"کمیته برگزاری ۲۸ اسد"

۲۸ اسد ۱۳۸۹

خانم - انانسر

نیروی تعیین کننده و قهرمان اصلی مردم است. هر کسی و هر حاکمیتی که با او در افتد! هر کسی و هر قدرتی که حقوق آنرا پایمال نماید! هر کسی و هر حاکمیتی که تایید واقعی آنرا به همراه نداشته باشد، در هر قبائی که باشد سرانجامی بهتر از مزدوران روس نخواهد داشت.

حکایت همچنان باقی است

به پایان آمد این دفتر

مهمانان عزیز القدر، سروران گرامی!

با ابراز سپاس و امتنان از اینکه دعوت ما را پذیرفتید و به محفل ما صفا بخشیدید.

"کمیته برگزاری ۲۸ اسد" آرزومند است که نشست امروزی حرکت تازه ای و دریچه نوی باشد به سوی فردهای بهتر! قطعنامه محفل امروزی ما روی میز سمت راست شما چیده شده است، شما میتوانید هنگام خارج شدن از تالار به تعداد مورد نیازتان از این قطعنامه بردارید.

اگر با کمی و و کاستی ای درین محفل مواجه شدید، امیدواریم ما را ببخشید.

به امید موفقیت تمامی شما سروران گرامی، ختم محفل
امروزی را اعلام میکنم.